

# شرائط طریق الی الله

سخنرانی حضرت آیت ا... سید حسن فقیه امامی

بسم الله الرحمن الرحیم

# شرائط طریق الی الله

نویسنده:

حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# شرائط طریق الی اللّه

## مشخصات کتاب

سرشناسه : فقیه امامی، حسن، ۱۳۱۳ -

عنوان و نام پدیدآور : شرائط طریق الی الله: سخنرانی حضرت آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی (مدظله العالی): به مناسبت ایام محرم... .

مشخصات نشر : اصفهان: مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، واحد تحقیقات، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۴۸ ص.؛ ۱۶/۵ × ۱۱س م.

شابک : ۸-۲۰۸۹-۰۴-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : خداشناسی.

موضوع : انسان (اسلام).

موضوع : هستی شناسی (فلسفه اسلامی).

رده بندی کنگره : BP۲۱۷ /ف۷ش۴ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۳۳۵۲

## متن سخنرانی ۱

بِسْمِ اللَّه الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

الحمدُ للّه ربّ العالمین حمداً أزلیّاً بأَبَدیّته، و أَبَدیّاً بأَزلیّتهِ، سَرْمداً بِإطلاقه مُتَجَلّیاً مرایا آفاقِهِ، و الصلوهُ و السلام علی سیّدِ أنبیائِهِ البشیر النذیر و السِّراجِ المُنیرِ سیِّدنا أحمد و نبیِّنا أبی القاسم مُحَمَّد، واللَعنُ الدائم علی أعدائهم أجمعین مِن الآن إلی قیامِ یوم الدّین.

قال اللَّه الحکیم فی کتابِهِ الکریم و مُبْرَمِ خطابِهِ العَظیم:

«وَ أَنَّ هذا صِراطی مُسْتَقیماً فَاتَّبِعُوهُ»(۱)

انسان در زندگی باید هدف داشته باشد و این هدف باید مقدّس باشد و الّا تمام زندگی اش بر باد می رود. به هر حال اگر انسان عاقل باشد و فکر کند که هر لحظه از لحظات عمرش چقدر ارزش دارد و چقدر در این عالم باید عوامل دست به دست هم دهد، تا انسان یک لحظه نفس بکشد. به گفته ی سعدی:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک درکارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

ملاحظه بفرمایید! چقدر نیرو باید صرف شود و چه قدر قدرت باید مصرف شود و چه قدر از مواد باید مصرف شود تا این که انسان لقمه نانی بخورد. بنابراین انسان باید ارزش خودش و وقتش را بداند.

اگر انسان عاقل باشد باید هر چه بیشتر

تلاش کند تا خود را به مرحله ی کمال برساند. این انسان اگر به فکر خودش نباشد بنابر تعبیر قرآن:

«أُولئِکَ کَالأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»(۲)

اگر به فکر تکامل و رشد در زندگی نیفتد مثل حیوانات یک عمر، می خورد و می خوابد و درجا می زند. ما به دنیا نیامده ایم تا مثل حیوانات زندگی کنیم ما انسان هایی هستیم که تمام مخلوقات برای ما آفریده شده اند؛

«الَّذی جَعَلَ لَکُمُ الأَرْضَ مَهْداً»(۳)

زمین گهواره ای است برای شما؛

«هُوَ الَّذی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الأَرْضِ جَمیعاً»(۴)

آنچه در زمین است از جمادات و نباتات و حیوانات تمام این ها را خدا برای ما خلق کرده است.

ما موجوداتی هستیم که می توانیم اوج بگیریم، تا جائی که ملائکه هم نتوانند با ما همراه باشند. جبرئیل امین به پیامبرصلی الله علیه وآله عرض کرد:

«اگر من به اندازه یک سر انگشت بالاتر بیایم بال و پرم می سوزد».

انسان جائی راه می رود که ملائکه نمی توانند راه داشته باشند. بعد قرآن می فرماید:

«وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ»(۵)

این عالم افلاک (ستارگان، ماه و خورشید) تمام این ها برای شما آفریده شده است. این آسمان به این عظمت، این کهکشان های لایتناهی که هنوز هیچ انسانی نتوانسته عمق آن ها را پیدا کند، تمام این ها برای وجود انسان است، اینقدر یک انسان ارزش دارد. بنابراین انسان باید چه کند تا ضایع نشود؟!

«إِنَّ الإِنْسانَ لَفی خُسْرٍ ۱ء إِلاَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ ۲ء»(۶)

اگر راه تکامل را پیش نگیرد زیان کرده، نیروها را تلف کرده و به نتیجه و هدف هم نرسیده است.

حال هدف چه باشد؟ هدف باید لایتناهی باشد؛ به این معنا که دریا را پیدا می کند و الّا اگر از دریا منفصل شد یک قطره ای بی ارزش است. آن

چیزی که لایتناهی است پروردگار است.

ما انسان ها می توانیم تلاش و جدیّت کنیم تا فاصله ی بین خود و خدا را کم کنیم. قرب الی اللّه پیدا کنیم، چون ما کامل تر از خدا نداریم و به هر چیز که بخواهیم بپیوندیم خدا نیست و او هم یک موجود محدود است مثل خود ما، اگر بخواهیم خود را به یک امر لایتناهی پیوند بزنیم چیزی جز خدا پیدا نمی کنیم و خداوند چه زیبا می فرماید:

«یا أَیُّهَا الإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقیهِ»(۷)

لقاء خدا یعنی چه؟ اگر کسی، دیگری را دید و آن هم آن کس را دید این ملاقات است، این لقاء است، بین الاثنینی است. ما خدا را نمی بینیم ولی خدا ما را می بیند پس باید کاری کنیم تا ما هم خدا را ببینیم با چشم دل، این لقاء حاصل می شود.

انسان کافر تا در این دنیاست این ابرهای تیره مادیّت بین او و خدا حائل می شود و نمی تواند خدا را با چشم دل ببیند، وقتی می میرد این پرده های مادّی کنار می رود، این شبهات و این استدلالات غلط کنار می رود و خدا را می بیند. این است که قرآن از مرگ به یقین تعبیر می کند:

«وَ اعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّی یَأْتِیَکَ الْیَقینُ»(۸)

وقت مرگ، هیچ کس درباره خدا شک و تردید ندارد و آنجاست که به وجود باری تعالی یقین پیدا می کند ولی دیگر به درد او نمی خورد. پس باید قبل از این که پا به عرصه مرگ بگذاریم چشم دل باز کنیم و خدا را ببینیم.

«یا أَیُّهَا الإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقیهِ»(۹)

خدا می فرماید: شما مرا می بینید! زحمت می خواهد، تلاش می خواهد، می بایستی عبادت کنی تا به قرب برسی. قرآن در آیه

سجده ی سوره ی فصّلت می فرماید:«سجده کن تا قرب پیدا کنی».

یعنی اگر می خواهی خدا را ملاقات کنی باید عبادت کنی و با ادامه عبادت است که می توانی آن حالت قرب و لقاء را بدست آوری. هدف روشن است ما نیامده ایم که بخوریم و بخوابیم و یک زندگی مادّی را اداره کنیم. این ها هدف نیست چون حیوانات هم این چیزها را دارند. ما باید هدف بلندتری در حدّ بی نهایت داشته باشیم.

بین ما و خدا فاصله است و ما باید این فاصله را کم کنیم. هدف رسیدن به خداست، فاصله هم هست پس باید راهی پیدا کنیم و از آن راه آرام آرام خود را به خدا برسانیم. به نماز می ایستیم حمد و ثنای الهی را به جا می آوریم و هدفمان این است که دعا کنیم. سوره حمد را می خوانیم، اوّل آن مقدمه است برای دعا، عرض می کنیم:

«اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیمَ»(۱۰)

خدایا! بین ما و تو فاصله است، راهی هم هست که ما را به تو برساند منتهی این راه را تو باید به ما نشان دهی.

«صِراطَ الَّذینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ»(۱۱)

راه کسانی که به آنها نعمت دادی؛ «منظور نعمت ولایت مولای متقیان علی علیه السلام است که در روز غدیر خم خدا می فرماید:

«الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی »(۱۲)

هر کس نعمت ولایت را دارد خداوند بزرگ نعمت را به او عنایت کرده است.»

خدایا ما می خواهیم راه کسانی را به ما ارائه دهی که نعمت را بر آن ها تمام کرده ای. راهی که گمراهان رفته اند و به خدا نرسیده اند را نمی خواهیم؛ راه کسانی را هم که بر آن ها غضب کرده ای نمی خواهیم؛ راه کسانی را می خواهیم که خدا به آن ها منّت گذاشته و آن ها را

متنعّم به نعمت ولایت شان نموده ای. تا این جا خواسته ما معلوم شد، می خواهیم راهی را طی کنیم تا به خدا برسیم. بنابراین اگر کسی خواست راهی را برود نیازمند به اموری می باشد.

اوّل این که باید چشم داشته باشد تا راه را ببیند؛ آدمی که کور است نمی تواند راه را پیدا کند و ادامه ی راه بر او مشکل است.

دوّم این که نور می خواهد؛ در هنگام شب راننده ای که می خواهد به مسافرت برود باید چراغ پر نور و قوی داشته باشد تا راه را بر او روشن کند.

سوّم این که باید در راه امنیّت باشد؛ اگر چنانچه راهزن در راه باشد نمی توان راه را ادامه داد آن ها مانع می شوند و نمی گذارند راه ادامه پیدا کند.

چهارم این که مَرکب لازم است؛ اگر راه دور باشد باید از ماشین یا حیوانات یا کشتی و هواپیما و ... استفاده کرد.

پنجم این که توشه لازم دارد؛ در شهر همه امکانات وجود دارد امّا اگر انسان در بیابان ماند به چیزی دسترسی ندارد، پس باید آب و غذا و امکانات با خود ببرد و توشه راه داشته باشد.

ششم این که رفیق خوب داشته باشد. در روایات دارد: «الرَّفِيقَ ثُمَّ الطَّرِيقَ»(۱۳)

اگر خواستید به مسافرت بروید اوّل رفیق خوب پیدا کنید و بعد مسافرت را آغاز کنید. اگر این شرایط نباشد مسافرت یا امکان پذیر نیست یا بسیار دشوار است.

هفتم این که راهنما هم باید باشد. الآن می بینیم کسانی که می خواهند به مکّه یا به عراق مشرّف شوند، دلیل و همراه انتخاب می کنند. راه را بلد نیستند باید کسی باشد تا آن ها را ارائه طریق و هدایت کند تا گمراه نشوند.

وجود راهنما بسیار مؤثر است. سر سه راهی ها و چهار راهی ها تابلو لازم

است تا راهنمایی کند از کدام طرف باید رفت تا به هدف رسید. اگر این ها نباشد معلوم نیست انسان به هدف مورد نظرش برسد.

ما در نماز خواستیم تا خدا ما را به راه راست هدایت کند، خدا هم این راه را به ما نشان داده است. از زمان حضرت آدم علیه السلام تا الآن خدا به وسیله ی کتب آسمانی، انبیاء، اولیاء و اوصیاء این راه را نشان داده است. فقط در این راه خدا هست پیغمبرصلی الله علیه وآله می فرماید:

«إِنَّ رَبِّی عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ»(۱۴)

در راه کج نمی توان خدا را پیدا کرد، اگر راه راست را رفتید به خدا می رسید.

از آن طرف می بینیم ابراهیم علیه السلام در صراط مستقیم است. ابراهیم علیه السلام به پدرش می گوید: «یا ابتا! پدر جان، من چیزهایی می دانم که تو آن ها را نمی دانی».

«یا أَبَتِ إِنِّی قَدْ جاءَنی مِنَ الْعِلْمِ ما لَمْ یَأْتِکَ فَاتَّبِعْنی أَهْدِکَ صِراطاً سَوِیًّا»(۱۵)

ای پدر! مرا علمی آموختند که به تو نیاموختند، پس مرا پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم.

در این راه حضرت ابراهیم علیه السلام است، در این راه پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله هست. در قرآن به پیغمبرصلی الله علیه وآله خطاب می کنند:

«إِنَّکَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ»(۱۶)

و از عجایب این است که در این راه شیطان نیز وجود دارد، در قرآن از قول شیطان می گوید، که شیطان به خدا گفت:

«قالَ فَبِما أَغْوَیْتَنی لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَکَ الْمُسْتَقیمَ»(۱۷)

چون مرا گمراه کردی من نیز بندگانت را از راه راست گمراه می کنم. سر راه می نشینم و نمی گذارم بندگانت از این راه استفاده کنند و به هدف برسند بین تو و مردم فاصله می اندازم.

حالا می خواهیم ببینیم در این راهی که خدای متعال به

ما ارائه کرده و می فرماید:

«وَ یَهْدی مَنْ یَشاءُ إِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ»(۱۸)

هر کس را بخواهم به راه راست هدایت می کنم. آیا شرائطی را که برای پیمودن راه است خدا این شرایط را برای ما قرار داده یا نه؟! خدا چشم داده یا نداده؟!

«أَ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَیْنَیْنِ ۸ءوَ لِساناً وَ شَفَتَیْنِ ۹ء»(۱۹)

آیا به تو چشم عطا نکردیم، و نگفتیم هر کجا را نگاه کن؟! حالا که به تو چشم دادیم؛

«أَ فَلا یَنْظُرُونَ إِلَی الإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ»(۲۰)

سازمان آفرینش شتر را تماشا کن تا خدا را از طریق این مخلوق عجیب الخلقه بشناسی و در آیه ای دیگر می فرماید:

«فَلْیَنْظُرِ الإِنْسانُ إِلی طَعامِهِ»(۲۱)

آدمی باید به قوت و غذای خود به چشم خرد بنگرد و روی آن فکر کند و خدا را از این طریق بشناسد.

خدای متّعال می فرماید: انسان را مطالعه کن! ما او را از یک اسپرم گندیده آفریدیم.

«فَانْظُرْ إِلی آثارِ رَحْمَتِ اللَّهِ»(۲۲)

دیده باز کن و آثار رحمت الهی را بنگر! پس خدا چشم را داده تا ببینیم.

گفتیم نور هم لازم است، خدا نور را هم برای ما قرار داده است؛ خداوند می فرماید:

«فَالَّذینَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(۲۳)

خداوند قرآن را به عنوان نور به ما معرفی کرده است و می فرماید:

کسانی که از قرآن تبعیّت کنند به حقیقت رستگارند و راه را پیدا می کنند. چراغ راه، قرآن است و به وسیله ی آن می توان مسیر را طی کرد تا به خدا رسید.

خدا توشه هم معیّن کرده و می فرماید:

«وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَیْرَ الزَّادِ التَّقْوی »(۲۴)

اوّل دستور می دهد در مسیری که می روید توشه بردارید که مسیر بسیار طولانی و صعب العبور است. چه کنیم تا با یک

توشه ی کافی مسیر را طی کنیم و به لقاء اللّه برسیم؟! بسیاری از موارد جوان ها پرسیده اند، چه کنیم تا خدا را بهتر بشناسیم؟ خوشحالم از این که بسیاری از جوان ها به فکر اصلاح خود افتاده اند.

جوانی را دیدم که مثل باران اشک می ریزد، پرسیدم: چرا گریه می کنی؟ گفت: تا الآن هر نوع گناه و لذّتی را مرتکب شده ام، امّا فهمیده ام چه قدر اشتباه کرده ام، می خواهم برگردم راه را به من نشان دهید.

پس آن توشه ای که سازنده است تنها و تنها تقوا می باشد. تمام گرفتاری های ما مربوط به گناهان ما است و این هم در قرآن و هم در روایات آمده است. دائماً دَم از گرفتاری و پریشانی می زنیم و یا دیگران را از گناه نهی نکردیم، نتیجه اش این گرفتاری ها و بلاهاست.

«وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لا تُصیبَنَّ الَّذینَ ظَلَمُوا مِنْکُمْ خاصَّةً»(۲۵)

جوان ها! به داد خودتان برسید، از همین حالا تصمیم بگیرید گناه نکنید تا زندگی شاد و با نشاطی داشته باشید، بدبخت و بیچاره نشوید. از بیماری نالید، از تنگی رزق نالید، تقوی و پرهیز از گناه را تمرین کنید. البتّه نمی شود یک مرتبه تمام گناهان را ترک کرد هر روز یکی از آن ها را کنار بگذارید.

فرض بفرمایید اهل دروغ هستیم، روزی ده دورغ می گوییم، تصمیم بگیریم روز اوّل یکی را کم کنیم، روز دوّم دو تا، همین طور تدریجاً آن را کم کنیم تا این پاکی و تقوا ملکه ما بشود و از این نکبت های دنیا راحت شویم. نمی دانید گناه چه بر سر انسان می آورد؛ این زندگی دنیا و آخرت ما را تیره می کند یک قدری به خود بیایید و خود را از عذاب خدا نجات دهید. پس بنابراین

توشه راه را هم خدا در قرآن معیّن کرده.

و امّا مرَکب این راه چیست؟ می خواهیم مسافرت برویم، وسیله می خواهیم. در درون دریا کشتی می خواهیم؛ درون زمین ماشین می خواهیم؛ در هوا هواپیما می خواهیم و خدا برای ما در همه موارد مَرکب قرار داده است. برای مَرکب دریا می فرماید:

«حَمَلْناکُمْ فِی الْجارِیَهِ»(۲۶)

و برای زمین می فرماید:

«وَ الْخَیْلَ وَ الْبِغالَ وَ الْحَمیرَ لِتَرْکَبُوها وَ زینَهً وَ یَخْلُقُ ما لا تَعْلَمُونَ»(۲۷)

اسب و استر و حمار را برای سواری آفرید و چیزی دیگری را که هنوز نمی دانید برای سواری شما خواهد آفرید. هواپیما و ماشین درون کلمه ی ما لا تَعْلَمُون است. آن زمان مردم نمی توانستند بفهمند که هواپیما و اتومبیل یعنی چه؟ و قرآن سر بسته می فرماید:

«یَخْلُقُ ما لاتَعْلَمُونَ»(۲۸)

و می فرماید:

«هُوَ الَّذی جَعَلَ لَکُمُ الأَرْضَ ذَلُولاً فَامْشُوا فی مَناکِبِها»(۲۹)

خدایی که زمین را برای شما هموار و نرم گردانید، تا شما در پستی ها و بلندی های آن حرکت کنید.

خدایا! ما می خواهیم این مسیر را طی کنیم، پس مَرکب هم لازم داریم. درون این دریای پر تلاطم و پر طوفان زندگی، تنها راه نجات کشتی است؛ حالا باید بر کشتی سوار شویم. از خودمان شروع کرده ایم و می خواهیم به خدا برسیم. پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرمایند:

«مَثَلُ أَهْلِ بَیْتِی فِیکُمْ کَمِثْلِ سَفِینَهِ نُوحٍ مَنْ رَکِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»(۳۰)

آن کشتی که در مقابل این طوفان های کوه پیکر دریا مثل کشتی نوح می تواند مقاومت کند، آن ارتباط با اهل بیت علیهم السلام است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله در پنج مورد صریحاً می فرماید:

«مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا»(۳۱)

اگر می خواهید گمراه نشوید بایستی از نور قرآن و از کشتی اهل بیت علیهم السلام استفاده کنید.

یکی از علما مثل زیبایی

زده بود؛ گفته بود: «ما با دوستانمان روزهای جمعه به باغی می رفتیم، هم تفریح بود و هم دور هم می نشستیم و بحث های علمی دینی می کردیم بنا شد دوستان بروند درون باغ و هر کدام دو عدد زردآلو بخورند که هم پذیرایی باغ شده باشد و هم به صاحب باغ ضرر نرسد. درختی بود که میوه آن بسیار تلخ بود از صاحب باغ سؤال شد که چطور میوه این درخت تلخ است؟ گفت: درخت هایی را که ما کشت می کنیم برای شیرین شدن به آن پیوند می زنیم و فراموش کرده ایم این درخت را پیوند بزنیم و میوه آن تلخ شده است.»

عزیزان! ما شیعیان بدون امیرالمؤمنین علیه السلام تلخ هستیم، جهنّمی هستیم، دشمن فهمیده باید دست را کجا بگذارد؛ اگر بخواهند بر گردن این ملّت ها سوار شوند باید از اهل بیت علیهم السلام جدایشان کنند. خدا لعنتشان کند الآن شروع کرده اند و عمل می کنند تا مسلمان ها را از اهل بیت علیهم السلام جدا کنند.

بی انصاف ها! اهل بیت علیهم السلام چه ضرری برای شما دارند؟ آیا مثل علی ابن ابی طالب علیه السلام کسی را در دنیا داریم؟! در سازمان ملل وقتی می خواستند تدوین قوانین بکنند به عنوان سرمشقی که مافوق تمام سرمشق های حقوقی عالم است، عهد نامه مالک اشتر را بیان کردند. درون این دنیای امروز بعد از چهارده قرن علی علیه السلام را رها کنیم و کجا برویم؟! دست به دامن چه کسی بشویم؟! و هر روز سر شاخه های ارتباط با اهل بیت علیهم السلام را مدام کم می کنند تا ایمان و وابستگی ما به اهل بیت علیهم السلام کم رنگ شود، مدام شبه می کنند در این روایت و این قصّه و آن حدیث تا آرام آرام ارتباطات معنوی

بین ائمه علیهم السلام و مردم قطع شود تا بتوانند آن طور که می خواهند بار بکشند.

امروز کتابی به دست من رسید از فردی که در آمریکا زندگی می کند در آن جا به او تزریق کرده اند و آنچه توانسته اند به او شبهه القاء کرده اند برای جدا کردن مردم و تضعیف ایمان مردم نسبت به اهل بیت علیهم السلام از چه راه های شیطنت آمیزی وارد شده اند وقت لازم دارد. من دربسته و کلی به شما عرض می کنم:

این ها نمی خواهند این مراسم و این جلساتی که شما برای امام حسین علیه السلام می گیرید، باشد، می خواهند رابطه ها را قطع کنند. ولی این را عرض می کنم، الحمدللّه هر چه دشمن بیشتر تلاش می کند شیعیان ایمانشان محکم تر و ارتباطشان بیشتر می شود. این شبهاتی را هم که القاء می کنند جواب داده می شود و مشکل حل می شود. قرآن می فرماید:

«یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ»(۳۲)

و این کشتی را خدا برای نجات ما قرار داده است. این هم مَرکب، که ارتباط با اهل بیت علیهم السلام یک مَرکب راه وار و قوی است که ما را در مقابل امواج سهمگین حوادث حفظ می کند.

من از تربت امام حسین علیه السلام تعجب می کنم، در روایات هست و افراد نیز تجربه کرده اند، وقتی کشتی در دریا دچار طوفان می شود، تربت امام حسین علیه السلام بسیار کار ساز است و آن طوفان را جواب گو است. یکی از آقایانی که در جریان مکّه و حملاتی که وهّابی ها به ایرانیان کردند، گفت: من در بین دست و پای مردم له می شدم که یک مرتبه یادم افتاد که مُهر تربتی در جیب دارم، دست کردم و مهر را بیرون آوردم، بوسیدم و به چشم

گذاشتم و نجات پیدا کردم.

حال چه عنادی با تربت امام حسین علیه السلام است که تربت ها را بردارند و به عنوان بهداشت جای آن سنگ بگذارند، که ارتباط ما با تربت امام حسین علیه السلام هم قطع شود. در این حد شیطنت دارند، این دردها را انسان کجا بگوید؟!

مرحوم اخوی ما (رضوان اللّه علیه) شب اوّلی که از دنیا رفته بودند یکی از بستگان خواب دیده بود یک ماشین آخرین سیستم آوردند ایشان درب را باز کردند و درون ماشین نشستند و گفته بودند، ما سوار بر کشتی اباعبداللّه شدیم و رفتیم و نجات پیدا کردیم. پس مَرکب می خواهیم و آن سفینه ی اهل بیت علیهم السلام است. راهی را که می خواهیم طی کنیم، رفیق می خواهد؛

«الرَّفِيقَ ثُمَّ الطَّرِيقَ»(۳۳)

قرآن می فرماید:

«كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»(۳۴)

اگر رفیق راه می خواهی باید با صادقین باشی. در تفاسیر، روایات زیادی است که منظور از صادقین ائمه ی طاهرین علیهم السلام هستند. این ها صادقینند، باید با این ها باشیم. وقتی رفیق می خواهید باید کسی را انتخاب کنید تا بتوانید از او نور بگیرید و استضاء کنید. چه رفیقی بهتر از اهل بیت علیهم السلام که ما این ها را رفیق راه خدا قرار دهیم تا انشاء اللّه دست ما را بگیرند و به خدا برسانند.

بحث های زیادی راجع به «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» است. آقای تیجانی که در این چند سال اخیر تشرّف به تشیع پیدا کرده کتابی نوشته است به نام «كُونُوا مَعَ الصَّادِقين» که این کتاب بسیار جالب است که ترجمه اش هم کتاب «با راست گویان» است، این هم رفیق راه.

باز در این راه نیاز به راهنما هم داریم و قرآن راهنمای ما است، مثل این تابلوهای راهنمایی که در جادّه ها گذاشته اند. قرآن می فرماید:

«إِنَّ هذَا

الْقُرْآنَ یَهْدی لِلَّتی هِیَ أَقْوَمُ»(۳۵)

بهترین راه را قرآن نشان می دهد و تابلوی بسیار روشنی است که تمام راه های حق و باطل را نشان می دهد.

در آیه دیگری می فرماید:

«وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ»(۳۶)

راهنمای دیگر انبیاءعلیهم السلام هستند که خداوند متعال پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله را به عنوان راهنما در قرآن معرفی می کند «وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» را نیز به ائمه ی طاهرین علیهم السلام تفسیر کرده اند. قرآن می فرماید:

صراط مستقیم این است که بگوییم خدای متعال ربّ ماست و ما را هدایت می کند و ما او را عبادت و پرستش می کنیم. پرستش خدا از این طریقی که عرض شد، این صراط مستقیم است و خدا کند که ما انشاء اللّه درون این راه بیفتیم و خداوند دست ما را از دامن قرآن و اهل بیت علیهم السلام کوتاه نفرماید.

برویم سراغ کشتی نجات؛

«اِنّ الحُسین مِصْباحُ الهُدی و سَفِینَهُ النَّجاه»(۳۷)

ویژگی امام حسین علیه السلام این است که هم نور است، «مِصْباحُ الهُدی » و هم کشتی، «سَفِینَهُ النَّجاه» هر دو خصوصیّت در این امام وجود دارد. اگر نهضت آقا امام حسین علیه السلام نبود مردم به چه بدبختی گرفتار می شدند. در زیارت اربعین عبارتی زیبا می خوانیم:

«وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِیکَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَهِ وَ حَیْرَهِ الضَّلالَه»(۳۸)

حضرت مردم را از جهالت و گمراهی نجات داد.

«السَلامُ عَلَیْکَ یا ابا عَبْدِاللّه، السَلامُ عَلَیْکَ یابْنَ

رَسُولِ اللّه، السَلامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُه»

سخنرانی

حضرت آیه اللّه حاج سیّد حسن فقیه امامی

مدّ ظلّه العالی

پیرامون روز عاشورا

دهم محرّم الحرام ۱۴۲۹ ه.ق

## متن سخنرانی ۲

بسم الله الرحمن الرحیم

امروز را در درجه اول تسلیت می گوییم به ساحت مقدس حضرت بقیه اللّه الاعظم - روحی و ارواح العالمین لِمقدمهم فداه - و سپس به شما عزیزانی که به یاد سالار

شهیدان آقا امام حسین علیه السلام در این مجالس حضور پیدا کرده اید.

این نکته را به عرض شما برسانم که در این روز (روز عاشوراء) زیارات مخصوصه آقا ابا عبداللّٰه الحسین علیه السلام وارد شده است. من تأکید می کنم که حتماً این زیارت را بخوانید چون زیارت عاشورا از جمله زیارات مخصوصه امام حسین علیه السلام است. این زیارت مضامین عجیبی دارد، اگر دقّت کنید می فهمید که این زیارات درس های بزرگی را به ما می دهند و مدّت ها زمان می برد که ما از این زیارات درس های بزرگ بگیریم و از آن ها استفاده کنیم. به بعضی شبهاتی که برای سست کردن ایمان مردم القا می شود توجه نکنید، شیعه همیشه هم دشمن داشته است و هم دوست نادان و شاید ضربه هایی که دوست نادان می زند از ضربه هایی که دشمن می زند، بدتر باشد.

خدشه وارد کردن در زیارت عاشورا خیلی بی انصافی می خواهد. این زیارت کارآیی زیادی دارد، بزرگان ما و شخصیّت های ما برای حل مسائل و مشکلات خود به زیارت عاشورا متوسّل می شوند.

برای مثال وقتی رضاخان به اوج قدرت رسید و در مقابل مجالس امام حسین علیه السلام موضع گیری کرد و جنایات زیادی را مرتکب شد، راه چاره بر علما بسته و مسدود شد. مرحوم آقا سید ابوالحسن مدیسه ای قدس سره فرمودند: من تا چهل روز دیگر ریشه رضاخان را می کنم. خیلی عجیب است، تا چهل روز زیارت عاشورا و علقمه را خواندند، روز چهلّم ریشه پهلوی کنده شد. این ها تجربیات تاریخی است یک مورد و دو مورد هم نیست.

غرض این که زیارت عاشورا یک زیارت مستند و معتبر و حدیث قدسی است و مضامین عجیبی هم دارد.

این زیارت دو چیز را به ما یاد می دهد:

اوّل تولّی دوّم تبرّی

تولّی یعنی اظهار دوستی با اهل بیت علیهم السلام کردن. به این نکته توجه کنید تولّی و تبرّی جزء فروع دین است اصل اظهار دوستی است وگرنه یک دوستی قلبی اکتفا نمی کند ما باید این دوستی را اظهار کنیم.

تبرّی نیز همین گونه است، یعنی اگر ما با دشمنان پیامبرصلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام دشمن هستیم باید آن را ابراز کنیم، البتّه در جایی که خطر جانی برای ما نداشته باشد.

نشانه تولّی و تبرّی در زیارت عاشورا صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام است. اوّل هم، تبرّی است (صد لعن) و بعد تولّی (صد سلام) ما باید با سلام پیوندمان را با اهل بیت علیهم السلام مستحکم کنیم و با لعن انزجارمان را از دشمنان اهل بیت علیهم السلام ظاهر کنیم، این یک چیزی است که می تواند زیر بنای مکتب تشیّع را محکم کند.

در زیارت عاشورا دعاهایی است که به چند مورد از آن اشاره می کنیم بقیه را خود آقایان مطالعه کنند.

یکی از مهمترین این دعاها این است که هیچ انسانی نیست که نخواهد در مقابل خدا آبرو پیدا کند.

انسان ها به آبرویشان خیلی اهمیّت می دهند، حتّی انسان های بد هم در خفا کارهای خلاف را مرتکب می شوند و سعی می کنند که آبرویشان محفوظ بماند و حاضر هم نیستند کسی بدی هایشان را مطرح کند، این برای مردم است.

انسان پیش خدا آبرو پیدا کند خیلی ارزشمند است، وقتی سرش را بلند می کند و می گوید: یا اللّه، این ارتباط برقرار می شود و دعایش مستجاب می گردد. وقتی انسان آبرو داشته باشد این گونه می شود. ولی ما (خودم را عرض می کنم) لیاقت ندارم که مستقیم در نزد

خدا آبرو پیدا کنم. در این زیارت می خوانیم:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی عِنْدَکَ وَجِیهاً بِالْحُسَیْنِ علیه السلام»(۳۹)

خدایا! من این زیارت را می خوانم و از تو می خواهم به وسیله ی این زیارت نزد خود به من آبرو بدهی، خدایا! به واسطه ی امام حسین علیه السلام به من آبرو بده.

ببینید این دعا چقدر جامع است! انسانی که در حدّ بی نهایت با خدا فاصله دارد بوسیله ی امام حسین علیه السلام تقرّب به خدا پیدا می کند.

«أَتَقَرَّبُ إِلَی اللَّه»(۴۰) در همین زیارت می خوانیم، ما بواسطه امام حسین علیه السلام به خدا تقّرب پیدا می کنیم.

این آبرو است؛ دعای دیگر:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی شَفَاعَهَ الْحُسَیْنِ علیه السلام»

یعنی خدایا! امام حسین علیه السلام را شفیع ما قرار بده تا بوسیله او نجات یابیم، هم در دنیا و هم در آخرت. یکی دیگر از این دعاها این که عرض می کنیم خدایا هزار و چند صد سال است این مصیبت ها ما را زجر می دهد. این رزیّه عظیمه است، یعنی دلمان مجروح است وقتی می شنویم که این مصیبت ها را بر امام حسین علیه السلام بوجود آوردند و این ظلم ها را کردند، ظلم هایی که در دنیا نظیر نداشته است. بیاد مصیبت تشنگی زن و فرزند حضرت و اصحاب حضرت می افتیم، و به یاد دو لب خشکیده امام حسین علیه السلام می افتیم.

یادمان می آید که حتّی به فرزند صغیر اباعبداللَّه علیه السلام هم رحم نکردند. یادمان می آید که اهل بیت حضرت علاوه بر تشنگی گرسنه نیز بوده اند، یادمان می آید که امام حسین علیه السلام و فرزندان و اصحابشان را محاصره کردند، اسارت خانواده ی امام حسین علیه السلام یادمان می آید. به یاد می آوریم که با سُم ستور بر اجساد شهداء تاختند.

این ها عقده است در هیچ زمان تا به حال این عقده ها خالی نشده است شیعیان دور هم می نشینند

و یادشان می آید و گریه و عزاداری می کنند.

خدایا! ما یک خواسته داریم که به برکت همین امام حسین علیه السلام فرج امام زمان را نزدیک بفرما که بوسیله این بزرگوار انتقامی از کسانی که این جنگ را بر پا کردند و این ظلم ها را انجام دادند گرفته شود.

«تَنَقَّبتْ وَ تَهَيَّأَتْ لِقِتَالِك»(۴۱)

برای این که بیایند و با تو بجنگند نقاب به صورت هایشان زدند و بعضی از آن ها «سَمِعَتْ بِذَلِکَ فَرَضِيَتْ بِه» این مصیبت ها را شنیدند و رضایت پیدا کردند و در حدّی خشنود شدند که «إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّه»(۴۲) جشن گرفتند و به هم تبریک گفتند. عبیداللّه بن زیاد به شکرانه این پیروزی چهل مسجد در کوفه ساخت؛ در بازار شام کف زدند و در مجلس یزید جشن گرفتند.

خدایا! امام زمان علیه السلام را برسان که انتقام این ظلم ها را بگیرند و ما شیعیان خشنود شویم.

در این زیارت چهار نوبت این دعا را می خوانیم که خدایا! زیر لوای امام زمان علیه السلام به ما توفیق بده که بتوانیم انتقام خون ابا عبداللّه الحسین علیه السلام را بگیریم.

«السلام علیکم و رحمه اللّه و برکاته»

## پاورقی

۱) انعام ۱۵۳: «این راه مستقیم من است؛ از آن پیروی کنید!»

۲) اعراف ۱۷۹: «آن ها همچون چهار پایانند؛ بلکه گمراه تر»

۳) زخرف ۱۰: «همان کسی که زمین را محل آرامش شما قرار داد»

۴) بقره ۲۹: «او خدایی است که همه آنچه را در زمین وجود دارد، برای شما آفرید»

۵) اعراف ۵۴ و نحل ۱۲: « خورشید و ماه ستارگان را آفرید، که مسخّر فرمان او هستند»

۶) عصر ۱ و ۲: «انسان ها همه در زیانند؛ مگر آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند»

۷) انشقاق

۶: «ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پرودگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد»

۸) حجر ۹۹: «و پروردگارت را عبادت کن تا یقین تو فرارسید!»

۹) انشقاق ۶: «ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پرودگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد»

۱۰) حمد ۶: «ما را به راه راست هدایت کن»

۱۱) حمد ۷: «راه کسانی که آنان را مشمول رحمت خود ساختی»

۱۲) مائده ۳: «امروز دین شما را کامل کردم؛ ونعمت خود را بر شما تمام نمودم»

۱۳) مستدرک الوسائل، محدّث نوری ج ۸ ص ۲۰۹

۱۴) اصول کافی، مرحوم کلینی ج ۲ ص ۵۴۰

۱۵) مریم ۴۳: «ای پدر! دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است؛ بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم!»

۱۶) زخرف ۴۳: «تو بر صراط مستقیمی»

۱۷) اعراف ۱۶: «گفت: اکنون که مرا گمراه ساختی من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آن ها کمین می کنم»

۱۸) یونس ۲۵: «و هر کس را بخواهید و شایسته ببینید به راه راست هدایت می کنم»

۱۹) بلد ۸ و ۹: «آیا بر او دو چشم قرار ندادیم، و یک زبان و دو لب؟!»

۲۰) غاشیه ۱۷: «آیا آنان به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟!»

۲۱) عبس ۲۴: «انسان باید به غذای خویش بنگرد!»

۲۲) روم ۵۰: «به آ ثار رحمت الهی بنگر»

۲۳) اعراف ۱۵۷: «پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با نازل شده پیروی نمودند آنان رستگارانند!»

۲۴) بقره ۱۹۷: «و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد توشه پرهیزگاری است!»

۲۵) انفال ۲۵: «و از فتنه ای بپزهیزید که تنها به ستمکاران

شما نمی رسد»

۲۶) حاقه ۱۱: «شما را سوار بر کشتی کردیم»

۲۷) نحل ۸: «اسبها و استرها و الاغها را آفرید تا بر آن ها سوار شوید و زینت شما باشد، و چیزهایی می آفریند که نمی دانید»

۲۸) همان

۲۹) ملک ۱۵: «او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید»

۳۰) بحارالأنوار، علامه مجلسی ج ۱۰۵ ص ۲۳ باب ۷

۳۱) بحارالأنوار، علامه مجلسی ج ۳۶ ص ۳۳۱ باب ۴۱

۳۲) صف ۸: «آنان می خواهند نور خدا را با دهان خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند»

۳۳) مستدرک الوسائل، محدّث نوری ج ۸ ص ۲۰۹

۳۴) توبه ۱۱۹: «و با صادقین باشید»

۳۵) اسرء ۹: «این قرآن به راهی که استوارترین راه هاست هدایت می کند»

۳۶) رعد ۷: «و برای هر گروهی هدایت کننده ای است»

۳۷) مدینه المعاجز، بحرانی ج ۴ ص ۵۳

۳۸) تهذیب الأحکام، شیخ طوسی ج ۶ ص ۱۱۳

۳۹) بحارالأنوار، علامه مجلسی ج ۹۸ ص ۲۹۳ باب ۲۴

۴۰) بحارالأنوار، علامه مجلسی ج ۹۸ ص ۲۹۳ باب ۲۴

۴۱) فرازی از زیارت عاشورا

۴۲) فرازی از زیارت عاشورا

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹